



دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

مبانی و ضوابط تعیین مستثنیات دین

نگارش:

الهام افشارمند

استاد راهنما:

دکتر جواد حسین زاده

شهریورماه ۱۳۹۱

چکیده:

مهمترین مرحله دادرسی اجرای حکم است زیرا هدف از اقامه هر دعوا رسیدن به خواسته است که جز با اجرای رای دادگاه محقق نمی شود. چنانچه در این مرحله فروش اموال محکوم علیه ضرورت یابد؛ موضوع مستثنیات دین یا آن دسته از اموال مدیون که از فروش مستثنا هستند مطرح میشود.

گرچه محکوم له باید به حق خود دست یابد اما قانونگذار با عنایت به مصلحت محکوم علیه و خانواده او برخی از اموال مدیون را از توقیف مستثنا نموده تا بدین وسیله حیات او به خطر نیفتد. امری که نه تنها شرع مقدس اسلام بر آن صحنه می گذارد بلکه مورد تایید عقل و منطق نیز میباشد، اما این دسته از اموال چگونه معین می گردند، به عبارت دیگر حدود و ثغور این حکم چیست؟

در رساله پیش روی با مطالعه ادله و مبانی مستثنیات دین با اتکاء به آراء و فتاوی فقها به معیار هایی چون لاجرح، لا ضرر، مایلیق بحال و ما به الکفایه دست یافتیم که بررسی این ملاک ها منتج به ارائه ضابطه ای کاربردی در خصوص نحوه تعیین مصادیق مستثنیات دین و کم و کیف آن شد. با به کارگیری ضابطه ارائه شده نه تنها نظرات علما و فقها را تجمیع نموده بلکه تفاوت قوانین و بعضاً آراء صادره از دادگاه ها نیز رفع خواهد شد و به یک شیوه و روش واحد دست خواهیم یافت.

کلید واژه ها: مستثنیات دین، مدیون، اجرای حکم، محکوم علیه، محکوم له، عسر و حرج.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۶
فصل اول :	۱۲
مفهوم، ماهیت، پیشینه و مبانی.....	۱۲
مستثنیات دین.....	۱۲
مبحث اول :	۱۴
مفهوم ، ماهیت و پیشینه مستثنیات دین.....	۱۴
گفتار اول _ مفهوم و ماهیت مستثنیات دین :	۱۴
بند اول) معنا و مفهوم.....	۱۴
بند دوم) ماهیت و ویژگی مستثنیات دین :	۱۸
الف) مستثنیات دین از جهت حق یا حکم بودن؟.....	۱۸
ب) مستثنیات دین از جهت اصل یا استثناء بودن:.....	۲۰
ج) مستثنیات دین از جهت قلمرو شمول:.....	۲۱
گفتار دوم) پیشینه تاریخی.....	۲۲
بند اول) مستثنیات دین پیش از اسلام :.....	۲۲
الف) مذهب زردشت (ایران باستان).....	۲۲
ب) آئین مسیحیت :	۲۴
ج) آئین یهودیت:	۲۶
د) حقوق روم:	۲۷
بند دوم) مستثنیات دین پس از اسلام:.....	۲۸
الف) سابقه تاریخی در فقه اسلامی:	۲۸
۱_ فقه شیعه	۲۸
۲_ فقه اهل سنت:.....	۳۱
ب) سابقه تاریخی در قوانین موضوعه ایران:.....	۳۲
۱) قانون اصول محاکمات حقوقی:	۳۲
۲- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ ه . ش :	۳۴

- ۳- قانون اداره تصفیه ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸: ۳۵
- ۴- آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۱۳۵۵: ۳۵
- ۵- قانون اجرای احکام مصوب ۱۳۵۶: ۳۷
- ۶- قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶: ۳۸
- ۷- ماده ۴۴ قانون کار مصوب ۱۳۶۹: ۴۰
- ۸- اصلاح ماده ۶۹ آیین نامه اجرای اسناد رسمی در سال ۱۳۶۹: ۴۰
- ۹- قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه های عمومی و انقلاب : ۴۳
- مبحث دوم) دلایل و مبانی مستثنیات دین..... ۴۹
- گفتار اول) دلایل مستثنیات دین : ۴۹
- بند اول) قرآن..... ۴۹
- بند دوم) سنت..... ۵۱
- الف) صحیحہ حلبی: ۵۱
- ب) روایت عثمان ابن زیاد:..... ۵۱
- ج) روایت ابن ابی عمیر: ۵۲
- د) روایت مسعدۀ ابن صدقه : ۵۳
- بند سوم) عقل..... ۵۴
- گفتار دوم : مبنا و فلسفه وجودی مستثنیات دین:..... ۵۶
- فصل دوم :..... ۵۹
- قواعد و ضابطه تعیین مستثنیات دین..... ۵۹
- مبحث اول _ قواعد تعیین مستثنیات دین..... ۶۱
- گفتار اول) قواعد مورد استناد فقها..... ۶۱
- بند اول) قاعده لاضرر:..... ۶۲
- الف) دلایل قاعده لاضرر: ۶۳
- ۱) عقل..... ۶۳
- ۲) کتاب..... ۶۳
- ۳) سنت..... ۶۴
- ب) معنای قاعده لاضرر:..... ۶۷
- ج) تطبیق قاعده لاضرر بر موضوع : ۷۵

۱_ پرداخت دین با ضرر توأم نیست:	۷۵
۲- قاعده لاضرر مقتضی فروش مستثنیات دین است:	۷۶
۳- قاعده لاضرر مبتنی بر ضرر شخصی است:	۷۷
۴- پرداخت دین مصادق مفهوم ضرر نیست:	۷۸
۵- قاعده لاضرر با لزوم پرداخت دین تعارض ندارد:	۷۹
۶_ تعارض دو ضرر:	۸۰
(د) ما حصل بحث:	۸۰
الف (دلایل قاعده عسرو حرج:	۸۲
(۱) کتاب	۸۲
(۲) سنت	۸۲
(۳) عقل	۸۳
(۴) اجماع	۸۴
ب (مفهوم قاعده عسر و حرج :	۸۵
ج (تطبیق قاعده لا حرج بر موضوع:	۸۸
_ ۳) نفی عسر و حرج مدیون از نوع رخصت است:	۹۱
_ ۴) ما حصل بحث:	۹۲
گفتار دوم (ملاک های مورد استناد فقها:	۹۴
بند اول (ما یلیق بحال	۹۴
بند دوم (ما به الکفایه	۹۶
مبحث دوم _ ضابطه تعیین مستثنیات دین:	۹۸
گفتار اول) تمهیدات ارائه ضابطه:	۹۸
بند اول_ فایده یافتن مبنای مستثنیات دین:	۹۸
بند دوم _ قاعده دین مقضی:	۹۹
بند سوم _ حصری یا تمثیلی بودن مصادیق مستثنیات دین:	۱۰۱
گفتار دوم) نظریه مختار:	۱۱۲
نتایج و پیشنهادات:	۱۲۵
منابع و مأخذ	۱۳۲

مقدمه

ختم دادرسی، واینک آغازی برای اجرای دادنامه صادره.

بی تردید افق دید هر فردی از طرح دعوی نیل به خواسته و اجرای آن است. اجرای احکام نقطه مشترک تمامی احکام صادره است،^۱ بنابراین بدیهی خواهد بود بحث درباره این مرحله از دادرسی مورد توجه هر یک از اصحاب دعوی صرفه نظر از نوع ادعا قرار گیرد.

با توجه به اینکه اغلب دعاوی حول امور مالی شکل میگیرند لذا اجرای احکام دادگاه ها به طور طبیعی با اموال محکوم علیه ارتباط میابد و اینجاست که موضوع مستثنیات دین یا اموالی از محکوم علیه که قابلیت توقیف و فروش را ندارند جلوه میکند. از سویی محکوم له پس از طی مراحل نسبتاً طولانی به خواسته خود نائل آمده و باید مقدمات اجرای دادنامه اش فراهم شود و از آنجا که محکوم علیه در اغلب موارد تسلیم به حکم نمی شود، دادنامه باید توسط دستگاه قضا و مامور اجرا به مورد اجرا درآید و حق محکوم له اداء گردد. از سویی دیگر نیز محکوم علیه به عنوان عضوی از جامعه، حق ادامه حیات داشته و این حق ایجاب می کند برخی اموال او محفوظ از توقیف و فروش درایفای دین او باشد تا خود و افراد تحت تکفلش از زندگی باز نمانند خاصه که دنیای مدرن امروزی آدمی را هر روز بیش از پیش به وسایل پیچیده و حتی ساده نیازمند می سازد. با کمی دقت در روند یک

۱_ لازم به ذکر است بعضی احکام صادره اساساً از بحث اجرا مبرا می باشند همانند حکم تمکین، بنابراین اینکه اجرای احکام نقطه مشترک تمامی احکام است در خصوص اکثریت آراء صادق است. برای اطلاعات بیشتر به ماده ۴ قانون اجرای احکام مراجعه شود.

زندگی معمولی در میابیم به چه اندازه مقید به استفاده از اموالی هستیم که بدون هر یک معیشت مشکلی خواهیم داشت. برای مثال تلفن همراه که ناخود آگاه همه افراد را وابسته به خود نموده است، چه بسا فردی دایره روابط اجتماعی محدودی داشته باشد اما فراوانی این وسیله در جامعه مانع از آن است که آدمی بی نیاز از همراهی این وسیله باشد. این وابستگی در حدی است که اگر روزی سهواً چنین وسیله ای همراه ما نباشد گویی چیزی را مفقود کرده ایم و احتمالاً آن روز مضطرب خواهیم بود.^۱

حال شارع با در نظر گرفتن این دو ضرورت در عین حال متعارض اقدام به تاسیس نهادی به نام مستثنیات دین نموده تا هم محکوم له به خواسته خود برسد و نیز مصلحت محکوم علیه رعایت شود که البته چنین نهادی علاوه بر آنکه مورد تایید خرد است منبعث از فقه غنی اسلامی نیز بوده و سابقه در متون دینی ما دارد.^۲

همان طور که ذکر شد ضرورت و اهمیت وجود این تاسیس عقلاً بر کسی مستور نیست اما تشتت آراء در این زمینه مانع از آن شده که تا به حال ضابطه ای دقیق برای تعیین این اموال مستثنی از توقیف ارائه گردد تا از این رهگذر مرحله اجرای احکام به مناسب ترین شکل ممکن طی شود.

۱- این در حالی است که تلفن همراه در قوانین فعلی در زمره مستثنیات دین قرار ندارد، اما متعرض این نکته نیز می شویم که قیمت برخی از انواع گوشی ها به قدری گزاف است که از محل فروش آن ها می توان قسمتی از دیون بدهکار را پرداخت نمود!

۲- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم(محدث)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ه ق، ج ۲۰، ص ۱۹۵.

- اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیلة النجاة (مع حواشی الإمام الخمينی)، در یک جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم، ۱۴۲۲ ه ق، ص ۴۶۸، مسئله ۱۰.

- محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۵، ص ۲۴۹.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی دآوری، قم، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۴، باب دین، ص ۴۳.

- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، ۱۴ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۳، ص ۱۳.

- خمینی، سید روح الله موسوی - ترجمه تحریر الوسیلة - مترجم: علی اسلامی - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ ه ق، چاپ ۲۱، جلد ۲، ص ۶۳۳، مسئله ۱۰.

_ مسائل تحقیق:

گرچه قانونگذار رویه معینی در تصویب قوانین در باب مستثنیات دین نداشته است، با این وجود در حال حاضر دو قانون شاخصتر^۱ از سایر مقررات محل رجوع می باشند که یکی ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی است که ضابطه را تنها **احتیاج** مدیون می داند و دیگری ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی است که علاوه بر نیاز ملاک را رعایت **شئون عرفی** محکوم علیه نیز قرار داده است. با اندک دقتی در مواد فوق روشن می شود گرچه مواد قانونی به صراحت اموالی را برشمرده و در زمره مستثنیات دین بیان میدارند اما ملاک واحدی در تعیین این اموال در قوانین به چشم نمی خورد، علاوه بر این چگونگی لحاظ و به کارگیری این معیار های مصرح در مواد قانونی در مجزا نمودن برخی از اموال مدیون مشخص نگشته و تنها به ذکر آنان بسنده شده است که این خود منشاء صدور آراء متفاوت خواهد بود.

عدم تعیین ضابطه ای مشخص در این مورد از سویی سبب می شود عده ای از بدهکاران به بهانه آنکه اموالشان در شمار مستثنیات دین است از انجام وظیفه خود در اداء دین سرباز زنند در صورتی که با کمی دقت در اموال این دسته ملائت آنان در پرداخت دیون خود روشن می شود، و از سویی دیگر سبب می شود افرادی کمترین دارایی خود را از دست بدهند به این دلیل که برای مثال پول ودیعه مسکن آنان جزء مستثنیات دین نیست، این در حالی است که حداقل ملاک یعنی در نظر گرفتن نیاز محکوم علیه در خصوص گروه اخیر رعایت نگشته و پر واضح است مسکن و سر پناه از ابتدایی ترین نیاز های بشر بوده که ضرورت وجود آن را هر فطرتی تایید میکند اما این رویه در کشور ما وجود دارد که پول پیش خانه استیجاری بدهکار از اولین و آسان ترین موارد توقیفی است!

بنابراین مسائل تحقیق حاضر به این ترتیب خواهد بود:

1_ به منظور اطلاع از سایر قوانین که به ذکر مستثنیات دین پرداخته اند به همین فصل قسمت پیشینه تاریخی مراجعه شود.

۱_ مبنای مستثنیات دین چیست؟

۲_ ضابطه تعیین مصادیق مستثنیات دین چیست؟

۳_ مصادیق مستثنیات دین حصری هستند یا تمثیلی؟

_ فرضیات تحقیق:

بر اساس مسائل مطروحه در فوق فرضیات تحقیق بدین شکل خواهد بود:

۱_ حفظ حیات آدمی و فراتر از آن رعایت کرامت نفس هر انسان اقتضای چنین حکمی را دارد که

برخی اموال مدیون در مقام ایفای دین مستثنا از فروش باشد.

۲_ آنچه روشن است نمی توان از قوانین ضابطه بدست آورد چرا که قانونگذار رویه معینی را دنبال

نموده است، گاهی مبنا نیاز محکوم علیه است (ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی) و گاهی مبنا

شأن مدیون در نظر گرفته شده است (ماده ۵۲۵ قانون آئین دادرسی مدنی). مسلماً یافتن ضابطه ای

دقیق در این خصوص در تعیین مصادیق و دامنه آنها موثر خواهد بود. به نظر اینجانب از آنجا که اداء

دین واجب بوده و بدهکار موظف به ایفای دین می باشد، رعایت حقوق طلبکاران اقتضاء دارد ملاک

تنها رفع نیاز از مدیون باشد و به قدر متیق بسنده شود. گرچه ارائه ضابطه دقیق جز با مطالعه ای

گسترده امکان پذیر نخواهد بود.

۳_ به نظر می رسد مصادیق مستثنیات دین با توجه به تغییر شرایط و اوضاع و احوال متفاوت

خواهد بود.

_ هدف و ضرورت تحقیق:

بحث از اموال محکوم علیه و قسمتی از آن که قابل توقیف نیست در فرایند اجرای رای خودنمایی میکنند. در این حدیث کم و بیش مفصل قصد داریم به بررسی نهاد مستثنیات دین در نظام حقوقی کشور خود پردازیم. هدف از این تحقیق رسیدن به راهکاری عملی و مفید و ارائه ضابطه ای دقیق در استثنا نمودن برخی اموال مدیون از توقیف و فروش در جهت اداء دین اوست ، رسیدن به این مقصود منوط به بررسی مبنا و حکمت وضع این تاسیس و پس از آن تتبع در آراء فقها و اخذ ملاک و ضابطه به منظور تعیین موارد استثنا از توقیف است که با تعمق در قواعد فقهی مستفاد از کلام فقها در این زمینه ممکن و میسر خواهد بود ، تا به واسطه این معیارها و ضوابط هنگام اجرای آراء در حق هیچ کس خواه مدیون و خواه دائن جفا نشود.

— ساختار تحقیق:

روند تحقیق در دو فصل پیش خواهد رفت؛ فصل اول به مبانی اختصاص دارد و پس از ذکر کلیاتی در باب معانی و تعاریف و ماهیت مستثنیات دین و نیز درج سابقه تاریخی مستثنیات دین در فقه و قوانین موضوعه ، به دلایل این حکم از کتاب و سنت می پردازیم و حسن ختام این فصل مبنی یا فلسفه وجودی تاسیس مستثنیات دین خواهد بود . فصل دوم انعکاس مباحث اصلی ما در این تحقیق می باشد به این ترتیب که ابتدا ملاک و ضوابط و قواعدی که از متون فقهی ما در جهت تعیین موارد مستثنیات دین استنباط گشته بیان نموده و پس از بررسی هر یک به جمع بندی در این خصوص می پردازیم. در ادامه، بحث پیرامون مسائل فرعی و سپس ارائه ضابطه در قالب نظریه مختار پایان بخش این تحقیق خواهد بود.

پر واضح است به منظور رسیدن به چنین نتیجه ای علاوه بر مطالعه منابع حقوقی ، رویه قضایی، نظر حقوقدانان و توجه به اوضاع کنونی جامعه ؛ همان گونه که اشاره شد ناگزیر از تعمق در کتب فقهی بودیم چرا که حقوق کنونی برگردان متون فقهی علمای ما در اعصار گذشته در این خصوص

است . لازم به ذکر است بررسی کتب فقهی و استنباط ملاک و معیار در موضوع ما نحن فیه، با توجه به این مطلب که اکثریت این کتب برگردان فارسی ندارد زمان زیادی را به خود اختصاص داد و نگارنده نیز دقت بسیاری در این خصوص مصروف داشته که البته امیدوار است مثمر ثمر واقع گردد.

مفهوم، ماهیت، پیشینه و مبانی

مستثنیات دین

مطالب فصل نخست در دو قسمت خواهد آمد ؛ مبحث اول به تبیین مفهوم و ماهیت مستثنیات دین می پردازد و در انتها پیشینه یا سابقه تاریخی این حکم آورده می شود . در مبحث دوم دلایل و سپس مبنا یا حکمت وجود مستثنیات دین ذکر خواهد شد . مطالب هر یک از مبحث ها نیز در قالب دو گفتار عرضه خواهد شد.

مبحث اول :

مفهوم ، ماهیت و پیشینه مستثنیات دین

مبحث اول به دو گفتار تقسیم میشود که گفتار اول به مفهوم و ماهیت مستثنیات دین می پردازد و گفتار دوم نیز حاوی پیشینه این حکم خواهد بود.

گفتار اول _ مفهوم و ماهیت مستثنیات دین :

بند اول) معنا و مفهوم

به منظور شناخت هر چه بیشتر مستثنیات دین ذکر معانی هر یک از واژه های آن از نظر لغوی و اصطلاحی ضروری به نظر میرسد.

الف) دین: معنای لغوی دین در برخی از منابع بدین شرح آمده است: « کلمة دین و مادة دان دیدن از اضداد است یعنی به دو معنای متضادّ آمده یکی قرض دادن و یکی قرض گرفتن و جمع آن دیون و ادین بر وزن السنّ و کلّ ما لیس بحاضر فهو دین.»^۱

۱_ خراسانی، علی محمدی، شرح تبصرة المتعلمین (محمدی)، دو جلد، ج ۲، ص ۶۹.

برخی فقها دین را در معنای اصطلاحی چنین تعریف نموده اند: « أن المراد بالدين هو مال أَوْحَقَّ في ذمّة المدیون، و أسبابه كثيرة^۱ » طبق این تعریف مراد از دین؛ مال یا حقی است که بر ذمه مدیون قرار دارد و اسباب ایجاد آن بسیار است.

اکثر علمای معاصر دین را بدین سیاق تعریف نموده اند: «دین عبارت است از مال کلی ثابت در ذمه شخصی برای دیگری . و سبب آن یا قرض گرفتن است یا امور اختیاریه دیگر ، مانند مبیع قرار دادن دین در معامله سلم، یا ثمن قرار دادن آن در معامله نسیه، یا اجرت در اجاره، یا صداق در نکاح، یا عوض در طلاق خلع و غیر اینها و یا امور قهریه، مانند موارد ضمانتها و نفقه زوجه دائمه و نظیر اینها.»^۲

معنی دین در ترمینولوژی حقوق : «تعهدی که بر ذمه شخصی بنفع کسی وجود دارد، از حیث انتساب آن به بستانکار طلب نامیده میشود و از حیث نسبتی که با بدهکار دارد دین یا بدهی نام دارد . قرض اخص از دین است گاهی لفظ دین را بجای قرض بکار می برند . انواع دین شامل دین حال ، موجل ، دین مستغرق دارائی و ...^۳»

همان گونه که آقای لنگرودی به وضوح اشعار میدارند؛ قرض اخص از دین است، به عبارت دیگر دین یک مفهوم کلی است که یکی از مصادیق آن قرض است و آدمی ممکن است به طرق دیگر نیز مدیون واقع شود.

۱_ بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه (للبنوردی، السید حسن)، نشر الهادی، قم ، ۱۴۱۹ ه ق، جلد۷، باب الدین، ص ۱۸۵.

۲_ لنگرانی، محمد فاضل موحدی، جامع المسائل (فارسی - فاضل)، دو جلد، انتشارات امیر قلم، قم، چاپ یازدهم، ج ۱ ، ص ۲۹۹.

۳_ دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی ، ترمینولوژی حقوق ، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴، ذیل واژه دین.

ب) مستثنیات: جمع کلمه مستثنی، در اصل لغتی عربی است که در زبان فارسی متداول شده است. مستثنی اسم مفعول از مصدر استثناء می باشد. در لغت استثناء به معنای بیرون کردن و خارج ساختن و ... آمده است.^۱

استثناء در اصطلاح نیز به معنای اخراج چیزی از حکم ما قبل خود می باشد.^۲ برای مثال در این آیه «تجارة عن تراض» از «ا كل مال به باطل» استثناء شده است: «لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض».

ج) مستثنیات دین:

ترمینولوژی حقوق ذیل مستثنیات دین^۳ آورده است که مستثنیات دین اموالی است که: «برابر قانون در هنگام اجراء حکم و قرار یا سند رسمی مشمول مقررات اجراء نبوده و توقیف نمیشوند و بضرر مالک مدیون بفروش نمیرسند.»^۴ در جائی دیگر (ذیل دین) مستثنیات دین را اینگونه تعریف می کند: «آن مقدار از مال مدیون را که برای پرداخت دین او نمیتوان قهراً از مدیون گرفت.»

در آثار فقهای متقدم اثری از تعریف این تاسیس دیده نمی شود بلکه ایشان به ذکر مصادیق در تبیین این موضوع پرداخته اند. مرحوم بجنوردی در کتاب خود چنین می آورد: «إلا بیع حوائج الضروریة، من مسکنه و ملبسه و سائر حوائج التی یحتاج إلیها فی معیشته التی هی من مستثنیات

۱_ حسن عمید، فرهنگ عمید، چاپ ابن سینا، جلد سوم، ص ۱۲۳۰. (به نقل از غلام رضا مولا بیگی، مستثنیات دین از نظر فقهی و حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۹، ص ۷)

۲_ دکتر سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ کاویان، تهران، ۱۳۶۲، جلد اول، ص ۱۶۳. (به نقل از غلام رضا مولا بیگی، مستثنیات دین از نظر فقهی و حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۹، ص ۷)

۳_ Exemption of Attachment or Exemption of Execution و در حقوق کشورهای عربی عبارت «اموال التی لا یجوز حجزها» رساتر است. (به نقل از کتاب مستثنیات دین اثر رضا شاه حسینی، انتشارات جنگل، چاپ اول ۱۳۹۰، ص ۹)

۴_ ترمینولوژی حقوق، دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴، ذیل واژه مستثنیات دین.

الدین «^۱ به این معنی که فروش حوایج ضروری مدیون مثل مسکن و لباس و سایر وسایلی که در زندگی به آنها نیازمند است از مستثنیات دین محسوب می شوند.

نکته دیگر که مناسب است در این قسمت بدان پرداخته شود؛ استعمال لفظ مستثنیات دین است با این توضیح که دین استثناء ندارد بلکه این استثناء در خصوص برخی اموال مدیون است که از توقیف و فروش معاف هستند. به همین جهت استعمال واژه مستثنیات دین در معنای فوق استعمال لفظ در معنای مجازی است نه حقیقی.^۲

مفهوم مستثنیات دین مبین این معناست که در مرحله اجرا نمی توان از مجرای فروش اموال مشمول مستثنیات دین حکم را به مورد اجرا درآورد، اما ممکن است تا قبل از اصدار حکم مال محکوم علیه تحت عنوان قرار تامین خواسته یا دستور موقت توقیف شود ، این امر مضر به حال مدیون نیست بلکه تنها اموال را از نقل و انتقال مصون می دارد.^۳ لیکن با کمی تامل نمی توان قائل بود که در مرحله توقیف لزومی ندارد مقررات مستثنیات دین رعایت گردد، چه بسا اگر اموال مشمول مستثنیات دین توقیف شوند و روند رسیدگی به ماهیت دعوی و صدور حکم و اجرای آن به طول انجامد می تواند موجبات عسر و حرج مدیون را فراهم سازد . بنابراین توجه به مصالح مدیون ، عدم رعایت مستثنیات دین در توقیف اموال را موجه نمی داند.^۴ به نظر میرسد با توجه به اطلاع دادرسی که معضل اعظم رسیدگی قضایی است؛ نظر اخیر الذکر از وجاهت بیشتری برخوردار است، بنابراین چنانچه مقررات مستثنیات دین در مرحله توقیف اموال نیز مراعات گردد کمتر شاهد ضرر مدیون خواهیم بود.

۱_ بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیة (للبنجوردی، السید حسن)، نشر الهادی، قم ، ۱۴۱۹ ه ق، جلد۷، باب الدین، ص ۱۹۹.

۲_ سیدعباس تولیت، مقاله مفهوم و ضابطه مستثنیات دین، مندرج در سایت وکالت به آدرس: vekalat.org

۳_ ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز همین موضوع را بیان می دارد : « در کلیه مواردی که تامین مالی منتهی به فروش آن گردد رعایت مقررات فصل سوم از باب نهم این قانون (مستثنیات دین) الزامی است»

۴_ رضا شاه حسینی ، کتاب مستثنیات دین ، نقل به مضمون ، انتشارات جنگل ، چاپ اول ۱۳۹۰، ص ۱۰.

در انتها متذکر این نکته می شویم استعمال واژه مستثنیات دین توسط فقهای متقدم دیده نشده
گر چه این علما در متون فقهی خود اشاراتی به این موضوع حسب مورد نموده و این قاعده مورد
پذیرش آنان بوده است اما ابداع چنین اصطلاحی به دست فقهای متاخر و از قرن یازده میلادی به
بعد صورت گرفته است.

بند دوم) ماهیت و ویژگی مستثنیات دین :

در این قسمت ماهیت این نهاد مورد بررسی قرار میگیرد از جهت حق یا حکم بودن. در ادامه به
بیان دو ویژگی دیگر مستثنیات دین می پردازیم که ماهیت این نهاد را بیش از پیش روشن خواهد
نمود.

الف) مستثنیات دین از جهت حق یا حکم بودن؟

حکم عبارت از اوامر و نواهی قانونگذار که یا به طور مستقیم کاری را مباح یا واجب و ممنوع
میدارد و یا آثار حقوقی خاص بر اعمال اشخاص بار می کند، در حالی که حق اختیار و تسلطی است
که برای شخص در روابط او با دیگران ایجاد می شود.^۱

با لحاظ تعریف فوق به نظر می رسد مستثنیات دین از جمله حقوق باشد، زیرا قانونگذار امتیازی
برای مدیون قائل شده است. این حق از آن جهت که به مال مدیون مربوط است حقی مالی تلقی می

۱- مقدمه علم حقوق، دکتر ناصر کاتوزیان، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهل و دوم، ۱۳۸۳، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

شود. اما حقوق آثاری دارند^۱ من جمله قابلیت انتقال، که مستثنیات دین طبق ماده ۵۲۶ آیین دادرسی مدنی^۲ فاقد چنین ویژگی هستند. اما باید توجه داشت هر قاعده ای استثنائاتی دارد؛ برخی حقوق قابلیت اسقاط و انتقال را دارند اما قابل نقل نیستند مثل حق شفعه و برخی دیگر تنها قابل اسقاط اند، نه قابل نقل و نه قابل انتقال مثل حق استفاده از خانه های سازمانی. مستثنیات دین نیز در زمره گروه اخیرند، چرا که قابل اسقاط هستند.^۳ در تایید این مطلب می توان به مفهوم مخالف تبصره ماده ۶۵ قانون اجرای احکام مدنی اشاره نمود که بیان می دارد: «تصنیفات و تالیفات و ترجمه هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی شوند.» به عبارت دیگر با رضایت مولف آثار آنان قابل توقیف خواهد بود.

بنابراین گرچه مستثنیات دین در قوانین آیین دادرسی بیان میشوند و مقررات مربوط به آیین دادرسی آمره محسوب و بطور مطلق ایجاد الزام می کند^۴ و تراضی بر خلاف آن امکان پذیر نیست و باید از این جهت مستثنیات دین را حکم تلقی نمود اما با عنایت به این مطلب که مدیون میتواند با

۲_ آثار حق سه چیز است: قابلیت اسقاط، قابلیت نقل و قابلیت انتقال؛ دکتر جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، نشرامیرکبیر، ۷۶، ج ۳، ص ۱۳۷. «به نقل از کتاب مستثنیات دین تالیف رضا مومنی، چاپ هما، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۴.»

۱_ ماده ۵۲۶ آیین دادرسی مدنی: «مستثنیات دین تا زمان حیات محکوم علیه جاری است.»
۲_ «أنه لا یجب علیه بیع داره لوفاء دینه، و لا یجبره الحاکم علی ذلک، أو یبیع علیه قهراً، أما لو اختار هو قضاء دینه بیع داره فالظاهر أنه لا مانع منه» بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (محدث)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، جلد ۲۵، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ه ق، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

«مسألة ۱۴- معنای این که خانه و مانند آن از مستثنیات دین است این است که برای ادای دین، مجبور به فروش آن نمی شود و فروختن بر او واجب نیست. و اما اگر برای پرداخت بدهی، راضی بفروش آن باشد برای طلبکار جایز است آن را بگیرد؛ البته سزاوار است که راضی به فروش مسکنش نشود و او سبب فروش آن نگردد اگر چه بدهکار به آن راضی باشد...» خمینی، سید روح الله موسوی - ترجمه تحریر الوسیله - مترجم: علی اسلامی - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - ۱۴۲۵ ه ق، جلد ۲، ص ۶۳۳، مسئله ۱۴.

۳_ مقدمه علم حقوق، دکتر ناصر کاتوزیان، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهل و دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹.

اختیار خود از مقررات مستثنیات دین عدول نماید^۱ یا به عبارت دیگر مستثنیات دین قابلیت اسقاط دارد، میتوان گفت ماهیت مستثنیات دین به حق نزدیکتر است.

(ب) مستثنیات دین از جهت اصل یا استثناء بودن:

مستثنیات دین به عنوان یک حکم بی تردید مورد پذیرش فقها و حقوق دانان است و وجوب وجود آن بر هر منطقی مبرهن است با این حال همان گونه که از نام این تاسیس برمی آید؛ مستثنیات دین استثنا بر اصل قابلیت توقیف و فروش اموال محکوم علیه است. و آنچه اصل است وجوب اداء دین است و در موارد تردید باید به اصل رجوع شود.

در تایید این مطلب می توان از اصل دیگری نیز یاری جست؛ به این ترتیب چنانچه در خصوص وسیله یا شی ای شک شود که آیا داخل در ضروریات زندگی است یا خیر؛ اصل بر عدم دخول آن است مگر در صورت اثبات خلاف آن. بنابراین مستثنیات دین امری استثنایی است و باید در تعیین مصادیق آن به قدر متیق اکتفا نمود و از تفسیر موسع پرهیز کرد. اما اینکه آیا مصادیق مستثنیات دین حصری اند یا تمثیلی، این مطلب به طور مبسوط در فصل دوم و حین ارائه ضابطه بیان خواهد شد.

۱- « با توجه به قاعده « الناس مسلطون علی اموالهم » اگر محکوم علیه به میل خود بخواهد با فروش مستثنیات دین محکوم به را پرداخت نماید منعی ندارد.» نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، شماره ۷/۳۷۱۷ - ۱۳۸۱/۵/۷. به نقل از کتاب مستثنیات دین اثر رضا شاه حسینی، چاپ اول ۱۳۹۰، انتشارات جنگل، ص ۱۶.